

دو نکته در شرح حال مرحوم سعید نفیسی

پدیدآورنده (ها) : امیدسالار، محمود

ادبیات و زبانها :: نشریه بخارا :: خرداد و تیر ۱۳۹۳ - شماره ۱۰۰

صفحات : از ۱۱۵ تا ۱۲۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1047541>

تاریخ داندود : ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- از نهضت ملی شدن نفت تا کودتا
- معرفی کتاب و نقد فهرست ها و کتابشناسی های تاریخ روابط خارجی ایران
- شرح حال سعید نفیسی

عناوین مشابه

- شرح حال استاد سعید نفیسی بقلم خودش
- شرح حال مختصر سعید نفیسی
- دو مأخذ خطی در شرح حال واصفی هروی
- ما و خوانندگان ؛ ۱- دو نسخه خطی نفیس ۲- شرح حال سعید سلماسی
- تأملی بر دو نکته در «شرح احوال یوحنا دیلمی» به زبان سغدی
- دو نکته مربوط به شرح حال شیخ بهائی
- شرح حال سعید نفیسی
- مقایسه حافظه شرح حال در افراد تک زبانه و دو زبانه مبتلا به نشانگان نارسایی ایمنی اکتسابی
- مدرنیسم، وجهی از حضور در زمان حال (در حاشیه برگزاری هشتمین دو سالانه هنر آسیا در بنگلادش ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ دی، ۱۳۷۶)
- بررسی دو مقاله «اقتصاد» و «علم اقتصاد» در دایرة المعارف قرآن لیدن/عبدالله سعید

اخیراً که مشغول بررسی منابع مربوط به حیات و فعالیت‌های علمی دانشمند فقید، مرحوم سعید نفیسی بودم، به نکاتی برخوردیم که شاید ذکر آنها برای محققان جوانی که از خوانندگان بخارا هستند بی‌فایده نباشد. چنانکه می‌دانید، سعید نفیسی از مهمترین و مؤثرترین ادبا، محققین، و استادان صدساله اخیر ایران به شمار می‌رود چنانکه او را در تعدد تألیفات تالی جلال‌الدین سیوطی (ف ۹۱۰ ق) شمرده‌اند (همانی ۱۳۵۴، ص ۲۷۱). مرحوم علامه همانی در ماده تاریخ وفاتی که برای او سروده، حق مطلب را در باب مقام نفیسی در علم و ادب ادا کرده است (نفیسی در سال قمری ۱۳۸۶ رحلت فرمود):

چو شد سعید نفیسی برون ز دار حیات ز جمع اهل ادب سرور و رئیسی رفت
سنا بسال وفاتش نوشت: «ای بیداد ز گنج علم و ادب گوهر نفیسی رفت»

از مرحوم نفیسی چند زندگی‌نامه در دست است که یکی از آنها را خودش برای چاپ در مجله راهنمای کتاب نوشته است، اما با این که تاریخ تألیف این زندگی‌نامه چنان که در پایان آن آمده، ۲۲ مرداد ماه ۱۳۴۰ شمسیست (نفیسی ۱۳۴۵، ص ۴۸۴)، چاپ آن تا سال ۱۳۴۵ به تعویق افتاد، و عاقبت در شماره پنجم از سال نهم راهنمای کتاب منتشر شد (نفیسی ۱۳۴۵). همین سرگذشت، که بعداً بارها تجدید چاپ شد (مثلاً نفیسی ۱۳۸۶: ۳۴۵ - ۱۳۸۸: ۱۷) - ۲۷) منبع بسیاری از زندگینامه‌هائیکه در باره سعید نفیسی - هم در منابع چاپی، از قبیل

طبع جدید انیسکلوپدی اسلام (The Encyclopaedia of Islam, Vol.7, fasc. 127 - 880 - 128:879)، و هم در مآخذ اینترنتی - موجود است.^(۱) علاوه بر این، سالشماری هم از زندگی او در شماره ۵۵ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، که به یاد و ذکر سعید نفیسی اختصاص دارد، درج شده است. همسر آن مرحوم، یعنی خانم پریمرز نفیسی هم دو مقاله مفید در باب خاطرات زندگی با او نوشته است که در مجلد اول مقالات سعید نفیسی به چاپ رسیده است (نفیسی، پریمرز ۱۳۸۶، صص ۳۵۱ - ۳۵۹، ۳۶۰ - ۳۶۲). این دو نوشته کوتاه، برخی از خصوصیات اخلاقی و عادات آن مرحوم را با لطافت و تیزی مخصوصی تصویر می‌کند.

علی ای حال، برخی اشتباهات درین نوشته‌ها موجودست که نیاز به تصحیح دارند. اول این که در زندگی‌نامه خودنوشتی که از استاد در راهنمای کتاب چاپ شده، آمده است که: «از چهار پسر و سه دختر [پدرم]... من پیش از همه در طهران در ۱۸ خرداد ماه ۱۲۷۴ که در آن سال مصادف با ۸ ژوئن ۱۸۹۶ میلادی است به جهان آمدم» (نفیسی ۱۳۴۵، ص ۴۷۹؛ ۱۳۸۶، ص ۳۴۷؛ ۱۳۸۸، ص ۲۰). این تاریخ تولد میلادی به همین صورت در مدخل «سعید نفیسی» که آقای منیب‌الرحمان به زبان انگلیسی در انیسکلوپدی اسلام نوشته است هم تکرار شده. نکته مهم اینست که در تبدیل تاریخ تولد مرحوم نفیسی به تقویم میلادی اشتباهی رخ داده که گویا منشاء آن خود مرحوم نفیسی بوده است و این اشتباه از نوشته ایشان به دیگر منابع سرایت کرده. اشتباه اینست که ۱۸ خردادماه ۱۲۷۴ شمسی مقارن است با ۸ ژوئن سال ۱۸۹۵، نه ۱۸۹۶. یعنی تاریخ تولد مرحوم نفیسی به تقویم میلادی یک سال تمام بر تاریخی که در زندگی‌نامه خودنوشت او آمده، مقدم است.^(۲) البته در تبدیل سنوات میلادی به هجری و برعکس، گهگاه یک روز تفاوت پیش می‌آید، اما تفاوت یکساله را باید به حساب اشتباه گذاشت، و بنابراین تاریخ تولد مرحوم نفیسی را باید به سال ۱۸۹۵ میلادی تصحیح کرد.

نکته دوم اینست که در گزارشات بیشتر محققینی که در باب حیات آن مرحوم چیزی نوشته‌اند، حتی کسانی که با شخص آن مرحوم آشنائی داشته‌اند، در مورد تحصیلات ایشان در سوئیس و اروپا، و نیز در باب تاریخ بازگشت ایشان به ایران، برخی اشتباهات دیده می‌شود. برای روشن شدن مطلب ابتدا آنچه را که خود نفیسی درین مورد نوشته نقل و سپس گزارشات دیگران را از حیات ایشان ذکر می‌کنیم تا سابقه مطلب بر خوانندگان محترم روشن گردد:

چون سال سوم دبیرستان را به پایان رساندم، برای فراگرفتن دوره دوم متوسطه و دوره

(۱) مثلاً در مقاله‌یی که در باب آن مرحوم از طرف کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی، در آدرس زیر موجودست:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/ISLAMIC-CULTURE&CIVILIZATION/200-LECTURE/093.htm>

(۲) امروزه در اینترنت سایتهای مختلفی وجود دارد که تقویمهای گوناگون را با کمال دقت به یکدیگر تبدیل می‌کند. مبتدی که مورد استفاده من بوده در یکی از دانشگاههای اروپائی تهیه شده و بصورت رایگان در اینترنت موجود است. نگاه کنید به:

<http://www.calendarhome.com/calculate/convert-a-date/>



• سعید نفیسی در نوجوانی

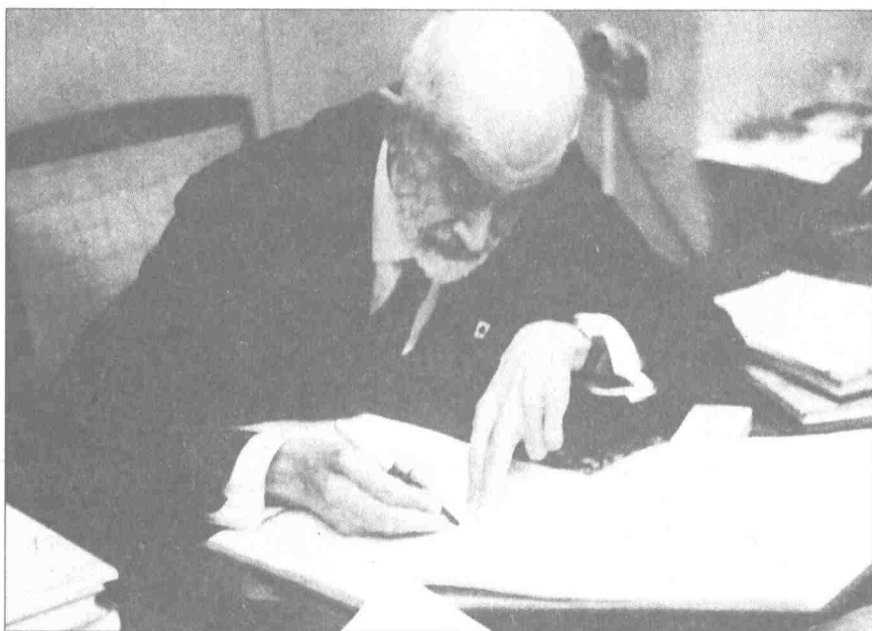
عالی، مرحوم برادرم مرا با برادر پس از من، دکتر حسن مشرف نفیسی، به اروپا برد. ... بدین گونه در پائیز سال ۱۲۸۸ دوره دوم متوسطه را در بهترین دبیرستان نوشاتل [یعنی شهر نوشاتل در کشور سوئیس] که هنوز هست و «کلیژ لاتین» Collège Latin نام دارد، آغاز کردم. در سوئیس و فرانسه فراگرفتن زبان یونانی و لاتین برای آموختن علم طب ضروری بود ... به همین جهت مرا به آن دبیرستان سپردند و در کلاس پنجم که به آن پنجم لاتین Cinquième Latine می‌گفتند به کار آغاز کردم. ... پس از یک سال خانواده‌ام مناسب‌تر دانست که ما دو برادر به پاریس برویم. هنگامی که به تهران بازگشتم دستگاه فرهنگی توسعه بسیار یافته بود و در چندین دبیرستان دوره متوسطه را تدریس می‌کردند (نفیسی ۱۳۴۵، صص ۴۷۹ - ۴۸۱).

آنچه ازین سخنان دستگیر می‌شود اینست که پس از اتمام سال سوم دبیرستان در ایران، برادر بزرگتر مرحوم نفیسی او را با برادر کوچکترش برای ادامه تحصیل به اروپا می‌برد و سعید نفیسی دوره متوسطه را در پائیز سال ۱۲۸۸ شمسی، در مدرسه کلیژ لاتین (Collège Latin) در شهر نوشاتل سوئیس آغاز می‌کند. درین دبیرستان او را در کلاس «پنجم لاتین» (Cinquième Latine) که تقریباً معادل سال دوم دبیرستان‌های ایران می‌شود قرار می‌دهند. نفیسی درین مدرسه با زبانهای یونانی و لاتین نیز آشنا می‌شود. پس از یک سال، یعنی در سال ۱۲۸۹ شمسی، به صلاح‌دید خانواده، همراه برادر، از سوئیس به فرانسه نقل مکان می‌کند و در

پاریس به ادامه تحصیل مشغول می‌شود. بیش ازین اطلاعاتی که گفتیم چیزی در این نقل قول نیست و آن مرحوم تاریخ بازگشتش به ایران را هم معین نکرده و در باب سالهای زندگیش در سویس و فرانسه هم توضیحی نداده و بدون هیچ ذکری از حوادث این سالها، یکباره نوشته: «هنگامی که به تهران بازگشتم...»

ظاهراً به علت خلأیی که در این موضع از سرگذشت او موجود است، هرکس در باب تاریخ بازگشت او به ایران حدسی زده و مطلبی را که خود آن مرحوم در باب آن چیزی نگفته، با کمک حدس و گمان‌های منتج از حوادث دیگر زندگی او به نحوی تعبیر کرده است. مثلاً دائرةالمعارف اسلام (چاپ جدید ۱۹۹۲، ج ۷، دفتر ۱۲۷ - ۱۲۸، ص ۸۷۹، ستون b) تاریخ بازگشت او را به ایران در سال ۱۲۹۷ شمسی، مقارن با ۱۹۱۸ میلادی می‌نویسد. نویسنده مدخل «نفیسی» درین دائرةالمعارف، مسلماً این تاریخ را از منابع ایرانی اخذ کرده زیرا تعدادی از منابع فارسی‌زبان نیز همین تاریخ را ذکر کرده‌اند. مثلاً نویسنده مقاله «زندگانی سعید نفیسی در چند سطر» (این مقاله بی‌امضاء است)، در سالشمار حیات او که در شماره یادبود آن مرحوم از مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران چاپ شده است، تاریخ مراجعت او را به ایران، در سال ۱۲۹۷ شمسی قرار داده و علاوه بر این مدعیست که آن مرحوم تحصیلات عالی خود را «در دانشگاه نوشاتل سویس و دانشگاه پاریس» انجام داده است (بی‌نام ۱۳۴۵، ص ۲۵۹). اما چنان که در گزارش خود او دیدیم، مدرسی که ایشان در شهر نوشاتل و شهر پاریس در آنها تحصیل می‌کرده دبیرستان بوده‌اند نه دانشگاه. مرحوم آراین‌پور (۱۲۸۶ - ۱۳۶۴) هم تاریخ بازگشت نفیسی را به ایران در همین سال ۱۲۹۷ شمسی قرار می‌دهد و می‌نویسد که نفیسی هنگام رفتن به اروپا، پانزده ساله بوده (آراین‌پور، ج ۳، ص ۲۵۹)، در حالیکه خود نفیسی نوشته است که به هنگام ترک ایران به مقصد اروپا، سیزده سال داشته (نفیسی ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). ظاهراً نویسنده مدخل «سعید نفیسی» در دانشنامه اینترنتی ویکی‌پدیا هم این دو اشتباه را از مرحوم آراین‌پور اخذ کرده است.^(۱) در مقاله «خاندان نفیسی» در سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، که بعداً در کتاب ماه علوم و فنون تجدید چاپ شده، نیز تاریخ بازگشت نفیسی به ایران مانند مراجع پیشین سال ۱۲۹۷ شمسی معین شده است (بی‌نام ۱۳۹۰، ص ۷۶). صاحب مقاله دیگری در رثای نفیسی می‌نویسد که سن او به هنگام بازگشت از اروپا ۲۶ سال بوده است (مشیری سلیم، ص ۷) که با توجه به تاریخ تولدش در سال ۱۲۷۴، این فرضیه تاریخ مراجعت او را به ایران، چند سالی عقب‌تر از ۱۲۹۷، یعنی به سال (۱۲۷۴ + ۲۶ =) ۱۳۰۰ شمسی می‌اندازد. چنانکه گفتیم، تاریخ ۱۲۹۷ که برای بازگشت

(۱) منظور من در این موضع این نیست که استناد به مقالات ویکی‌پدیا را بطور کلی جایز بشمارم. اما ازین نکته نیز نباید غافل بود که دائرةالمعارفهای اینترنتی همچون ویکی‌پدیا به منبع منحصر به فرد اطلاعات بسیاری از جوانان ما تبدیل شده‌اند. ازین روی این مطلب را متذکر می‌شوم تا کسانی که شرح زندگی نفیسی را در ویکی‌پدیا دیده‌اند متوجه وجود این اشتباه در آن منبع باشند و امیدوارم جوانان فاضلی که از تاریخ و ادب و فرهنگ این آب و خاک سر رشته دارند با مراجعه به این نوع سایت‌ها و تصحیح اغلاط آنها، دیگر مراجعان را از غرقاب اشتباه برهانند.



• سعید نفیسی در دفتر کارش

نفیسی به ایران معین کرده‌اند، یعنی تاریخی که اقامت او را در اروپا (۱۲۹۷ - ۱۲۸۸ =) به یک دوره نه‌ساله تبدیل می‌کند غلط است.

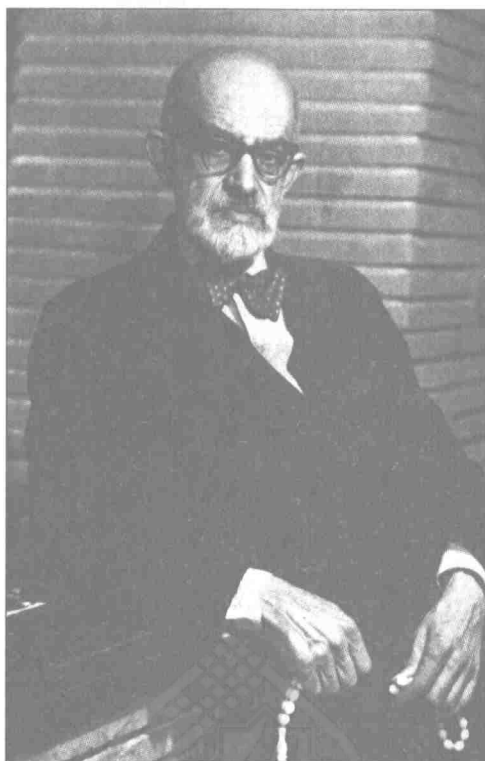
البته چون مرحوم نفیسی از بزرگان علم و ادب ماست و تحصیل کردن در دانشگاه‌های فرنگستان چیزی به اعتبار و وجهه علمی او نمی‌افزاید. ازین گذشته، این که آن مرحوم نه سال، یا مدتی بیشتر یا کمتر در فرنگستان زندگی کرده باشد نیز در ماهیت خدمات او به ادب و فرهنگ این آب و خاک تأثیری ندارد. آنچه که مهم است اینست که در قرن پانزدهم هجری و بیست و یکم میلادی، درست نیست که ما ابنای سرزمینی که او آن را عاشقانه دوست می‌داشت، درست و نادرست را در شرح زندگانی او به هم آمیزیم و هر جا که با کمبود مدرک و سند مواجه شدیم از خودمان به حدس و گمان چیزی بسازیم و آن را به مثابه واقعیت در شرح حال او وارد کنیم. منظور فقیر از نوشتن این یادداشت کوتاه فقط این نیست که نادرستی‌هایی را که در زندگی‌نامه آن دانشمند فقید راه یافته اصلاح کنم. بلکه می‌خواهم بدین وسیله به دانشجویانی که بخارا را می‌خوانند یادآوری نمایم که این اشتباهات به علت بی‌امانتی و جدانساختن نکردن حدس و گمان‌های شخصی از حوادث مستند زندگی آن مرحوم در شرح حالش راه یافته است. و اما ببینیم اگر سال ۱۲۹۷ تاریخ صحیح مراجعت مرحوم نفیسی به ایران نیست، پس ایشان در چه سالی به وطن بازگشت؟

نفیسی در خاطراتی که از زندگی دوران جوانی خودش نوشته، متذکر می‌شود که در آغاز سال ۱۲۹۲، یعنی ۵ سال پیش از سال ۱۲۹۷، در ایران بوده است. در مقدمه‌یی که در تاریخ دوم آبان ماه ۱۳۳۷ بر خاطرات خودش نوشته، می‌فرماید:

چهل و پنج سال پیش (۱۳۳۷ - ۴۵ =) در آغاز ۱۲۹۲ [شمسی] من وارد ادبیات شدم. آن روزها هنوز بیست سال نداشتم و اگر بر من خُرده نگیرید که «در این خردسالی تو را با ادبیات چه کار؟» پیش شما اعتراف می‌کنم که هنوز هجده سالگی من به پایان نرسیده بود. در آن زمان ایران و تهران چه بود؟ توضیح در این مطلب بحث درازی است. همین قدر عجالتاً داشته باشید که آن ایران نه ایران امروز بود و آن تهران نه تهران امروز. بدتر شده یا بهتر، پیرتان می‌داند (نفیسی ۱۳۸۱، ص ۲۱۹).

چون صریحاً می‌گوید که در آن روزها تهران و ایران با تهران و ایران سال ۱۳۳۷، که سال نوشتن این عبارت است (همان، ص ۲۲۳) فرق می‌کرده‌اند، پس لابد در سال ۱۲۹۲ مقارن با هجده سالگی او می‌شود ($۱۲۷۴ + ۱۸ = ۱۲۹۲$)، در ایران بوده است. ازین گذشته، می‌دانیم که نفیسی مدتی پس از بازگشتش از اروپا هنگامی که یک «جوان هیجده نوزده ساله» بوده است، در وزارت داخله آن زمان استخدام می‌شود تا مترجم یک مستشار فرانسوی بشود (نفیسی ۱۳۸۱، ص ۲۲۲). این مستشار که مسیو گوستاو دو مرنی نام داشته، در آغاز جنگ بین‌الملل اول ایران را ترک می‌کند (همان، ص ۲۴۸). هنگام مراجعت مستشار فرانسوی به کشور خودش، «پنج ماه و چند روز» بوده که نفیسی برای او کار می‌کرده است (همان، ص ۵۷). چون جنگ بین‌الملل اول، در یکم ماه اوت ۱۹۱۴ (یعنی ۹ مردادماه ۱۲۹۳) هجری درمی‌گیرد، پنج ماه و چند روز پیش از آن به اسفندماه ۱۲۹۲ شمسی می‌افتد. با توجه به این که اولین کار نفیسی پس از بازگشت به ایران، تدریس زبان فرانسه در مدرسه اقدسیه بوده است (نفیسی ۱۳۸۸، ص ۲۳)، و چون بسیار بعید است که دانشجویی که تازه از تحصیلات اروپائی به ایران بازگشته، از فردای روزی که برمی‌گردد، یکباره مشغول به کار شود، لابد پیش از اشتغال در وزارت داخله، باید مدتی را به بیکاری و مدت دیگری را به تدریس در مدرسه اقدسیه گذرانده باشد. بنابراین ورود او در خدمت وزارت داخله حتماً چند ماهی بعد از بازگشتش به ایران بوده است. اگر این احتمالات درست باشد، تاریخ بازگشت نفیسی را به ایران، باید در حدود تابستان یا اوایل پائیز سال ۱۲۹۲ شمسی تصور کرد.

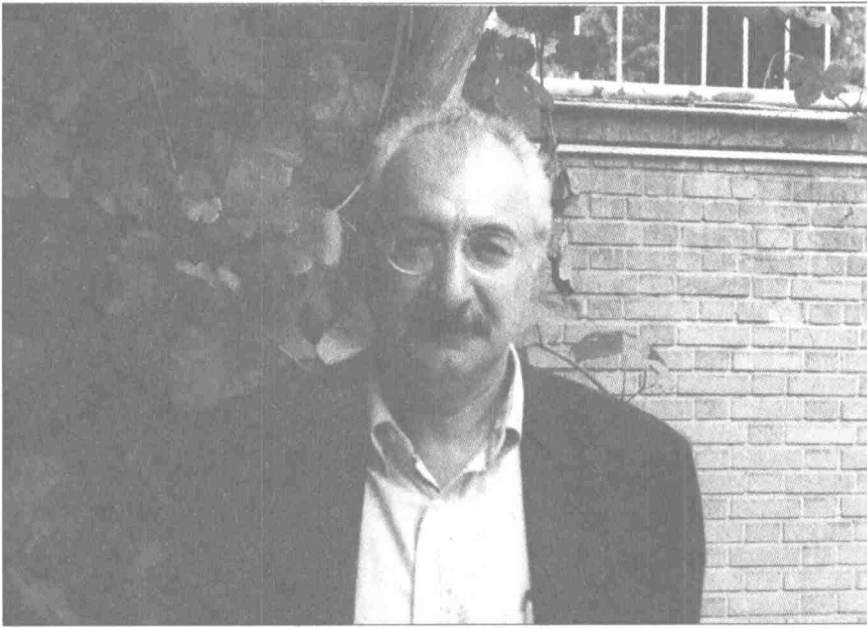
این حدس و گمان‌ها از طریق برخی دیگر از اطلاعاتی که در نوشته‌های خود مرحوم نفیسی و همچنین از طریق مطالبی که دیگران در باب او نوشته‌اند، تأیید می‌شود. مثلاً در خاطرات استاد آمده است که: «در همان روزهای نخستین که من وارد ادبیات شدم، ادوارد براون خاورشناس معروف انگلیس که در آن روزها نام وی در ایران بسیار برده [می‌شد، در کمبریج کتابی انتشار داده بود با عنوان مطبوعات و شعر جدید ایران.» (نفیسی ۱۳۸۱، صص ۲۲۴ - ۲۲۵). طبعیست که منظور نفیسی کتاب معروف براون با عنوان *The Press and Poetry of Modern Persia* است. براون این کتاب را در ۱۹۱۴ میلادی منتشر کرد که مقارن است با ۱۲۹۳ شمسی. براون تصریح کرده است که مقدمه این کتاب را در روز ۷ فوریه ۱۹۱۴ نوشته است. این تاریخ معادل می‌شود با ۱۸ بهمن ۱۲۹۲ شمسی. چون نفیسی تازه از فرنگ بازگشته بوده لابد اطلاعاتش در باب کتب و مقالات اروپائی مربوط به ایران، به قول



• سعید نفیسی (۱۸ خرداد ۱۲۷۴ - ۲۳ آبان ۱۳۴۵)

امروزها «به روز» بوده است. بنابراین او می‌بایست در سنه ۱۲۹۲ خورشیدی در وطن بوده باشد. ازین گذشته، تصریح به حضور نفیسی در ایران در سالهای ماقبل سال ۱۲۹۷ در آثار او بسیارست. مثلاً می‌دانیم که اولین بار عارف قزوینی را در سال ۱۲۹۳ ملاقات می‌کند (همان، ص ۲۳۳) و شمایل و لباس و اخلاقیات و نحوهٔ تصنیف‌سازی او را هم به دقت توصیف می‌نماید (همان، صص ۲۳۴ - ۲۳۵). جای دیگر می‌نویسد، هنگامی که جنگ اول جهانی در می‌گیرد عارف قزوینی تهران را ترک می‌کند و فحوای کلام او معلوم می‌دارد که درین هنگام، یعنی در مردادماه ۱۲۹۳، نفیسی خودش در تهران بوده است (همان، ص ۲۳۹). ازین گذشته متن تقاضانامه‌یی هم که نفیسی در باب اخذ اجازهٔ انتشار یک مجلهٔ ادبی خطاب به وزارت معارف و اوقاف نوشته در دست است. این تقاضانامه مورخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۵ قمری (۲۸ بهمن ۱۲۹۵) است (بهزادی، ص ۲۸۶). جای دیگر درین خاطرات می‌نویسد که در سال ۱۲۹۶ در مدرسهٔ نظام زبان فرانسوی درس می‌داده است (همان، ص ۹۲). بنابراین، شکی نیست که مرحوم نفیسی در سالهای ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۵، و ۱۲۹۶، که همه مقدم بر سال ۱۲۹۷ هستند، در ایران بوده است.

و اما آمدم بر سر بخش دیگر این قضیه، یعنی نوع تحصیلات آن مرحوم در اروپا. چنانکه گفتیم، از فحوای سخن کسانی که شرح حال‌هائی در باب نفیسی نوشته‌اند چنین برمی‌آید



• دکتر محمود امیدسالار (عکس از: علی دهباشی)

که ایشان در اروپا تحصیلات دانشگاهی کرده بوده. صحت این مطلب هم بسیار بعید است. چون نفیسی در سال ۱۲۹۲، یعنی ۴ سال پس از عزیمت به فرنگستان به ایران بازمی‌گردد، معلوم است که طول دوران تحصیل او در سوئیس و فرانسه ۴ سال بیشتر نبوده است. یک سال ازین چهار سال را در دبیرستان شهر نوشاتل سوئیس که Collège Latin نام داشته، در کلاس پنجم که به آن Cinquième Latine می‌گفته‌اند می‌گذراند و سه سال دیگر را در یکی از دبیرستان‌های پاریس. باید توجه داشت که ساختار دبیرستانهای سوئیس و فرانسه با مدارس متوسطه ما فرق دارد. دبیرستانی که تقریباً معادل آن دوره‌یی باشد که هم سن و سالهای بنده به آن «سیکل اول» می‌گفتند، چهار سال اول دبیرستانست که در آن بلاد Collège نامیده می‌شد. این کولژ چهار کلاس داشت که به ترتیب، Sixième (ششم)، شامل دانش‌آموزان ۱۱ الی ۱۲ ساله)، Cinquième (پنجم، شامل دانش‌آموزان ۱۲ الی ۱۳ ساله)، Quatrième (چهارم، شامل دانش‌آموزان ۱۳ و ۱۴ ساله)، و Troisième (سوم، با دانش‌آموزان ۱۴ و ۱۵ ساله) نام داشتند. با این حساب و به تصریح خودش، مرحوم نفیسی کلاس پنجم لاتین را در شهر نوشاتل، در دبیرستان «لاتین» (Collège Latin) آن شهر، خوانده و چون در پائیز سال ۱۲۸۸ آن کلاس را آغاز کرده، لابد تا اوایل تابستان ۱۲۸۹ که پایان سال تحصیلی باشد، در آن دبیرستان بوده. بعد ازین، در سال ۱۲۸۹ به پاریس رفته و در آنجا ادامه تحصیل داده. پس باید کلاسهای چهارم و پنجم (Quatrième و Troisième) دبیرستان را در سالهای تحصیلی ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰، در پاریس گذرانده باشد. بعد از اتمام کُلژ، محصل وارد سیکل دوم می‌شود، که لیسه (Lycée) نام دارد. این دوره هم دارای سه سال است که سالهای دوم (Seconde)،

اول (Première)، و نهائی (Terminale) نامیده می‌شوند. محصلین سال دوم ۱۵ یا ۱۶ ساله، دانش‌آموزان سال اول، ۱۶ الی ۱۷ ساله، و شاگردان سال آخر یا نهائی، ۱۷ یا ۱۸ ساله‌اند. اما اگر مرحوم نفیسی سالهای ۱۲۸۹ الی ۱۲۹۲ را در پاریس گذرانده باشد، برای این که لیسه را تمام کرده باشد یا باید دو سال دبیرستان را در یک سال خوانده باشد، و یا به این علت که سال اول را در سویس خوانده بوده و احتمالاً سال پنجم مدارس سویسی در مدارس فرانسه یک سال جلوتر محسوب می‌شده، به جای این که در ورود به فرانسه به سال چهارم وارد شود، نام او را در سال سوم، یعنی سال آخر سیکل اول دبیرستان نوشته‌اند. بنابراین کلاس پنجم را در ۱۲۸۸ در سویس می‌خواند، سال چهار را نمی‌خواند و شاید به قول امروزی‌ها به او کردیت (Credit) می‌دهند، و در فرانسه وارد کلاس سوم شده، و آن را در ۱۲۸۹ به پایان می‌برد. بعد ازین، وارد سیکل دوم دبیرستان می‌شود که از سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۲ به طول می‌انجامد و در تابستان یا اوایل پائیز ۱۲۹۲ به وطن بازمی‌گردد. این سناریویی که به تقدیم رسید یک احتمال است. احتمال دیگر که بنظر بنده بسیار بعید است اینست که نفیسی به علتی، سال آخر دبیرستان را در فرانسه نخوانده باشد.

چنانکه گفتیم این دو سناریو احتمالاتی بیش نیست. اما آنچه که مسلم بنظر می‌رسد اینست که ادنی دلیلی در باب این که مرحوم نفیسی در فرانسه تحصیلات دانشگاهی کرده باشد در دست نیست و اگر سند موثقی درین باب موجود باشد، بنده آن را ندیده‌ام.

نتیجه‌یی که می‌خواهم از ذکر این مطالب بگیرم اینست که محققان جوان ما باید توجه داشته باشند که وقتی در باب زندگی یکی از مشاهیر بزرگان معاصر که بسیاری از نویسندگان شرح حالهای او آن مرحوم را شخصاً می‌شناخته‌اند، و اضافه بر این، برخی حدیث نفس‌های نوشته خود را هم در دست داریم، این قدر ناپسامانی وجود دارد که انسان درست نمی‌تواند متوجه بشود که مثلاً در دوره سه ساله‌یی که نفیسی برای تحصیلات متوسطه در پاریس به سر می‌برده، دقیقاً چه می‌کرده، به کدام مدرسه می‌رفته، و فعالیتهای علمی و تحصیلی او چگونه بوده است، دیگر هیچ جای این نیست که در باب فردوسی و دقیقی و رودکی و امثالهم که هزار سال پیش زندگی می‌کرده‌اند خیلی مته را بر جگر خشخاش بنهیم و با اطمینان سخن بگوئیم یا به علت اندک اختلاف نظری رگهای گردنمان متورم شود و به دست و پای هم بیچیم یا به یکدیگر بی‌احترامی کنیم. اگر در تحقیقات علمی به جای این که دائم دم از «پیروی از شیوه تحقیق غربی» بزنیم، پا و ریشه را در سنن علمی سرزمین مادری خودمان محکم کنیم و به روش علمای قدیم خودمان که مثلاً در علم رجال و انساب ما را از ماست می‌کشیده‌اند تأسی ورزیم، احتمال دارد که به نتایج بهتری برسیم. انشالله عرایض این فقیر به گوش شنوایی خواهد نشست، والسلام.

- آرین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، ۳ مجلد، چاپ پنجم، تهران ۱۳۸۷.
- انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی شادروان استاد سعید نفیسی، تهران، ۱۳۸۷.
- بهزادی، علی، «سعید نفیسی روزنامه نگار»، بخارا، سال ۱۴، مرداد - شهریور ۱۳۹۰، ش ۸۲، صص ۲۷۷ - ۲۹۷.
- بی نام، «خاندان نفیسی»، کتاب ماه علوم و فنون، سال ۴، فروردین ۱۳۹۰، ش ۴۸، صص ۷۴ - ۷۸.
- بی نام، «زندگانی سعید نفیسی در چند سطر»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۴۵، ش ۵۵، صص ۲۵۹ - ۲۶۲.
- مشیرسلیمی، علی اکبر، «شمه ای از زندگی استاد سعید نفیسی»، آموزش و پرورش، دوره ۳۶، آبان ۱۳۴۵، ش ۶، صص ۶ - ۸.
- نفیسی، پریمرز، «آغاز و پایان یک زندگی»، مقالات سعید نفیسی در زمینه زبان و ادب فارسی، به کوشش محمد رسول دریاگشت، تهران، ۱۳۸۶، صص ۳۶۰ - ۳۶۳.
- _____، «عمری با سعید نفیسی»، مقالات سعید نفیسی در زمینه زبان و ادب فارسی، به کوشش محمد رسول دریاگشت، تهران، ۱۳۸۶، صص ۳۵۱ - ۳۶۰.
- _____، یادنامه سعید نفیسی، تهران، ۱۳۵۱.
- نفیسی، سعید، مقالات سعید نفیسی جلد ۲ بزرگان ادب - کتابشناسی، به کوشش کریم اصفهانیان و محمد رسول دریاگشت، تهران، ۱۳۹۰.
- _____، «شرح احوالات من و وقایع اتفاقیه تهران قدیم»، در زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد سعید نفیسی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۸، صص ۱۷ - ۱۶۷.
- _____، مقالات سعید نفیسی در زمینه زبان و ادب فارسی [جلد ۱]، به کوشش محمد رسول دریاگشت، تهران، ۱۳۸۶.
- _____، به روایت سعید نفیسی: خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، به کوشش علیرضا اعتصام، تهران، ۱۳۸۱.
- _____، «سرگذشت من»، راهنمای کتاب، سال ۹، دی ماه ۱۳۴۵، ش ۵، صص ۴۷۷ - ۴۸۴.
- همائی، جلال الدین، «گوهر نفیسی رفت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۴۵، ش ۵۵، صص ۲۶۵ - ۲۷۸.
- یغمائی، حبیب، «به یاد مردی صمیم و پاکدل»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۴، بهمن ۱۳۴۵، ش ۵۵، صص ۲۹۴ - ۲۹۶.